

بررسی تحریم‌های اتحادیه اروپا و تأثیر آن بر مناسبات دیپلماتیک در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه

می‌خواهند توان چانه‌زنی تهران را کاهش دهند

وضعیت برجام به شدت آسیب‌پذیر است و هر مسئله‌ای می‌تواند روی مذاکرات هسته‌ای اثرگذار باشد

«**عبدالرحمن فتح‌الله**»

تحریم‌های اتحادیه اروپا روز دوشنبه با صدور بیانیه‌ای جزئیات تحریم‌ها علیه ایران ذیل اعتراضات یک ماه اخیر را که در شورای وزیران امور خارجه تصویب شده بود، منتشر کرد. آن‌گونه که وب‌سایت اتحادیه اروپا عنوان کرد، بسته تحریمی شامل ۱۱ شخصیت و چهار نهاد ایرانی از جمله پلیس امنیت اخلاقی، نیروی انتظامی ایران و شماری از مدیران آن در کنار عیسی زارغ‌پور، وزیر ارتباطات است. این اقدام اروپا عملا با واکنش تند و شدید ایران مواجه شد. در همین راستا ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه اعمال بسته تحریمی جدید اتحادیه اروپا را قویا محکوم کرد و گفت که تحریم‌های متقابلی علیه اشخاص و نهادهای ذی‌ربط اروپایی از سوی ایران اعمال و اعلام خواهد شد. در کنار آن حسین امیرعبداللّهیان، وزیر امور خارجه هم در صفحه توئیتر خود نوشت: «اتحادیه اروپا امروز با اشتباه محاسباتی طی اقدامی غیرسازنده که مبتنی بر انبوهی از اطلاعات غلط بود، دوباره به ابزار خنما و بی‌اثر تحریم علیه ایرانیان متوسل شد. اغتشاش و تخریب اموال عمومی در هیچ‌جای جهان تحمل نمی‌شود و ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست» اما این بسته تحریمی جدید اتحادیه اروپا در کنار اقدام انگلستان، ایالات متحده و کانادا برای اعمال تحریم‌های حقوق‌بشری علیه ایران نشان می‌دهد که فضای کنونی و مسائل جانبی تا اندازه بسیار زیادی می‌تواند بر مسائل مهم دیپلماتیک با محوریت برجام و پروسه احیای توافق هسته‌ای اثرگذار باشد. در همین رابطه این گزاره تحلیلی هم وجود دارد که اتفاقا اروپایی‌ها با سرخوردگی دیپلماتیک و ناامیدی از احیای برجام به دنبال تقابل تمام‌عیار با ایران هستند؛ بنابراین از هر اتفاق و مسئله‌ای در جهت ایجاد اهرم فشار به تهران استفاده خواهند کرد. اگر این گزاره نزدیک به واقعیت باشد آیا دیگر اروپا اهمیتی برای آینده برجام قائل است؟ آیا مذاکرات برجام دیگر در دستور کار طرفین خواهد بود؟ آیا نشست وین تحت‌الشعاع اعتراضات یک ماه گذشته در ایران قرار خواهد گرفت؟ «شرق» پاسخ به این سوالات و پرسش‌هایی از این دست را در گفت‌وگو با حشمت‌الله فلاحت‌پیشه پی گرفته است. در کپ و گفتی با نماینده ادوار مجلس، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ۵م، استاد دانشگاه و تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل سعی شده است به دیگر ابعاد بسته تحریمی اروپا، گسل قاره سبز با تهران به‌خصوص در حوزه جنگ اوکراین و ادعای ارسال پهباد و تسلیحات ایران به روسیه با هدف به‌کارگیری در این جنگ (اوکراین) هم پرداخته می‌شود.

«**عبدالرحمن فتح‌الله**»

تحریم‌های اتحادیه اروپا روز دوشنبه هفته جاری ۱۱ شخصیت و چهار نهاد ایرانی از جمله پلیس امنیت اخلاقی، نیروی انتظامی ایران، بخش سایبری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شماری از مدیران آن را نظیر محمد رستمی و احمد میررضایی در فهرست تحریم‌ها قرار داد. در کنار آن عیسی زارغ‌پور، وزیر ارتباطات نیز به دلیل آنچه مسئولیت وی در قطع اینترنت خوانده می‌شود، به لیست تحریم‌شدگان افزوده شده است. حال برای سؤال اول باید پرسید که آیا اتحادیه اروپا به دلیل ناامیدی از احیای برجام و سرخوردگی دیپلماتیک برای رسیدن به توافق با تهران، عملا به سمت تقابل با ایران پیش رفته است؟

این مسئله بیش از آنکه مربوط به سرخوردگی دیپلماتیک و یا ناامیدی اروپا از ایران برای احیای برجام و رسیدن به توافق باشد، به «تأثیرپذیری» بیش از حد مذاکرات برجامی و دیپلماسی هسته‌ای از موضوعات مختلف بازمی‌گردد.

یعنی مذاکرات برجامی با این موضوع مهم و حساس (پرونده فعالیت‌های هسته‌ای) و در ابعادی مهم با حضور ایران، آمریکا و ۴+۱ به حدی تأثیرپذیر شده که اعتراضات داخلی هم توانسته است روی آن اثر بگذارد؟

اتفاقی که روی داده این است که برجام و دیپلماسی هسته‌ای عملا تحت‌الشعاع طیف و مجموعه‌ای از مسائل اختلافی بین جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در یک سطح و در سطح دوم بین تهران و اروپا قرار گرفته است.

پس مسئله اعتراضات هم می‌تواند در این چارچوب قرار گیرد؟ تکرار می‌کنم متأسفانه نوع عملکرد یک سال و نیم گذشته دیپلماسی برجامی، مسأله را در مسیر قرار داده است که هر مسئله‌ای در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی بر دیپلماسی هسته‌ای آثار مخرب خود را داشته است. به همین دلیل است که معتقدم مذاکرات وین به قدری آسیب‌پذیر شده است که می‌تواند تحت تأثیر حوزه‌های اختلاف جدیدی مانند اتفاقات یک ماه گذشته در ایران هم قرار بگیرد.

● **با این تفاسیر این سؤال را هم باید پرسید که تا چه اندازه مسئله ارسال پهبادهای ایران به روسیه می‌تواند به حوزه اخلاقی جدید بدل شود، ضمن آنکه واشنگتن پست هم در گزارشی ادعا کرد که علاوه بر پهبادها، ایران موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد ذوالفقار و فاتح ۱۱۰ را هم به روسیه می‌فرستد؟**

همان‌طورکه گفتم وضعیت برجام به شدت آسیب‌پذیر است و هر مسئله‌ای می‌تواند روی مذاکرات هسته‌ای اثرگذار باشد. متأسفانه عملکرد طیفی حاضر در مذاکرات اثرگذار باشد، همچنانی که مانند هنرمندی شده که یک تابلوی نقاشی را به تصویر می‌کشد، اما نهایتا آن را خط‌خطی کرده و نابود می‌کند. یعنی فرصت‌سوزی طرفین برجامی این‌وضعیت را برای مذاکرات رقم زد. پس از قبل پیش‌بینی می‌شد که مذاکرات وین یک وضعیت لغزنده و شکننده پیدا خواهد کرد. به دلیل همین لغزندگی و شکنندگی هر مسئله‌ای می‌تواند روی مذاکرات اثرگذار باشد، همچنانی که در صحنه عمل این اتفاق افتاد. در همین راستا، هم اتفاقات یک ماه گذشته و همچنین ادعای ارسال پهبادهای ایرانی به روسیه برای به‌کارگیری در جنگ اوکراین هم تأثیرات خود را بر مذاکرات داشت. به هر حال اکنون اروپایی‌ها این دو مسئله (مسئله اعتراضات یک ماه گذشته و همچنین مسئله جنگ اوکراین) را به شکل مشخص علیه ایران مطرح کردند.

● **درخصوص جنگ اوکراین و تأثیرات مخرب آن بر مذاکرات با شما گفت‌وگو داشته‌ام، اما مظاهرا ارسال پهباد از حیث مطرح‌شدن ادعاهای مختلف خاستگاهی کاملا متفاوت دارد، غیر از این است؟ در رابطه با جنگ اوکراین تاکید دارم که باز هم روسیه مانند هر مسئله دیگری در سیاست خارجی ایران توانست به یک برگ برنده دست پیدا کند. یعنی همان‌گونه‌که در برجام و مذاکرات هسته‌ای، روسیه برنده شد، در مسئله جنگ اوکراین هم بازن این مسکو بود که پیروز شد. درخصوص ارسال پهباد و دیگر تسلیحات ایرانی اتفاقا خود روسیه بخش عمده‌ای از این اخبار و ادعاها را مطرح کرد، نه ایران، کما اینکه هیچ‌گاه مقامات رسمی در جمهوری اسلامی ایران ارسال این تجهیزات و تسلیحات را به روسیه برای به‌کارگیری در جنگ اوکراین تأیید نکردند، ولی روسیه از همان ابتدا عنوان کرده بود که مسأ محموله‌های پهبادی را از ایران خریداری کرده‌ام و آن را در جنگ اوکراین به کار بسته‌ایم. حتی روس‌ها را با فراتر گذاشتند و از نظر کیفی قدرت پهبادهای ایرانی را زیر سؤال بردند و عنوان داشتند که پهبادهای ایرانی کیفیت لازم و کارایی مدنظر روسیه را در جنگ ندارد. یعنی در همین مسئله هم روسیه برخورد نامناسبی با ایران داشت. اکنون هم با اقدام اروپایی‌ها در تحریم ایران، بیش از همه این روسیه است که بسیار خوشحال است، چراکه مسکو با اقداماتش توانست در جنگ اوکراین یک شریک و از دوشنبه هم یک شریک تحریم برای خود برتراند و کشور دیگری را در کنار خود در لیست تحریم‌های مربوط به جنگ اوکراین اضافه کند.**

● **جناب فلاحت‌پیشه در یک نگاه عمیق‌تر به واقع ریشه سلسله پیروزی‌های مسکو با استفاده از کارت تهران چیست یا بهتر بگوییم حضرت‌عالی دلیل این امتیازدهی‌های بی‌دربی به روسیه را از برجام گرفته تا اوکراین و… ناشی از چه عوامل و پارامترهایی می‌دانید؟**
من به‌شخصه معتقدم یک نظام سیاسی موفق، نظامی است که یک «سازوکار درونی حل اختلاف» را برای خود داشته باشد. لذا جمهوری اسلامی ایران هم باید این سازوکار درونی حل اختلافات

چون عزمی که در پشت دیپلماسی برجامی بود، یک عزم جدی و محکم برای «حل اختلاف» نبود.

● **اگر برجام ماهیت حل اختلاف نداشت، چه رویکردی داشت؟**

عزمی که در پشت شکل‌گیری برجام بود، یک عزم برای «کنترل مقابل» بود. همان‌گونه که اروپایی‌ها و آمریکا و حتی چین و روسیه با مذاکرات برجامی به دنبال کنترل ایران در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای بودند، ایران هم در آن‌سو تلاش داشت با این مذاکرات و توافق برجام کنترلی بر رفتارها و تحریم‌های طرف مقابل داشته باشد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران از ابتدا این آگاهی را داشت که تحقق برجام به‌معنای پایان اختلافات با بلوک غرب نیست. درعین‌حال اروپا و آمریکا هم به خوبی می‌دانستند اگر برجام امضا شود، فقط ایران در حوزه توان هسته‌ای قابل‌کنترل خواهد بود اما چالش با ایران در دیگر مؤلفه‌های قدرت مانند نفوذ منطقه‌ای و توان دفاعی و موشکی کمکان بابرجاست و نمی‌توان روی آن کنترل داشت. به همین دلیل اختلافات با ایران ادامه پیدا خواهد کرد. واقعا اروپا و آمریکا از همان ابتدا به دنبال کنترل، مهار و درنهایت تضعیف ایران بودند. از این نظر برجام و مذاکرات هسته‌ای به‌شدت تأثیرپذیر شده و اکنون در حاشیه قرار گرفته است.

● **روی بخشی از گفته‌های شما تمرکز بیشتری داشته باشیم. عنوان کردید که طیفی از افراد و جریان‌های داخلی با اقدامات و مواضع خود به دنبال بحران آفرینی و چالش آفرینی هستند.**

● **از ایجاد و زوایای مختلفی مسئله را بررسی کردید ولی سؤال من می‌پاسخ ماند. آیا در کل شرایط، اتفاقات و فضای کنونی حکایت از آن دارد که مذاکرات برجامی و توافق هسته‌ای دیگر به تاریخ پیوسته است؟**
من نمی‌گویم که مذاکرات برجامی دیگر به شکست رسیده است. تکرار می‌کنم اگر اروپایی‌ها نهایتا به این جمع‌بندی برسند که از طریق دامن‌زدن به اعتراضات در داخل ایران نمی‌توانند کاری از پیش ببرند، آن زمان دوباره روی مسئله برجام و مذاکرات با ایران مانور خواهند داد. بازم در راستای گفته‌های خودم بر این نکته تاکید دارم که فعلا برجام و دیپلماسی هسته‌ای «تحت‌الشعاع» اتفاقات، موضوعات و مسائل متعدد از اعتراضات یک‌ماهه در کشور تا جنگ اوکراین و دیگر رویدادها قرار گرفته است. یعنی به‌راحتی هر موضوع داخلی، منطقه‌ای و جهانی می‌تواند روی روند احیای برجام اثرگذار باشد؛ چراکه عملکرد طرفین مذاکرات واقعا وضعیت‌لغزنده و شکننده‌ای را برای احیای برجام شکل داده و به همین دلیل هم به‌شدت «تأثیرپذیر» شده است. من بارها عنوان کرده‌ام که جمهوری اسلامی ایران نباید فرصت‌های مذاکره برای احیای برجام را چه در دولت روحانی و چه در دولت رئیسی از دست می‌داد، چون که برجام یکی از «ضعیف‌ترین» و «تأثیرپذیرترین» سازوکارهای دیپلماتیک در عرصه دیپلماسی بود.

● **از چه نظر «ضعیف‌ترین» و «تأثیرپذیرترین»؟**
از این نظر که واقعا دیپلماسی برجامی به‌راحتی می‌تواند تحت‌الشعاع هر مسئله‌ای قرار بگیرد. «دیپلماسی عمومی» سروکار داریم؛ سخنرانی‌های مقامات مسئولان در چارچوب دیپلماسی عمومی جای می‌گیرند که بیشتر در راستای اعلام موضع کشورهاست؛ اما مسئله اینجاست که وقتی دیپلماسی عمومی و اعلام موضع و سخنرانی به جای تحلیل، تبیین و تشریح درست اوضاع، ملأک عمل و تصمیم‌گیری قرار گیرد، متأسفانه مسأ را از واقعیت‌ها دور می‌کند؛ درحالی‌که همه هیئت‌های دیپلماتیک در راستای دیپلماسی رسمی به دنبال تکاپوی جدی در حوزه سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی هستند؛ یعنی سران و مقامات دیگر کشورها در راستای دیپلماسی رسمی در تلاش‌اند تا دیدار، گفت‌وگو، رایزنی و ترسیم سند توافقی با دیگر کشورها را عملی کنند؛ اما متأسفانه ما صرفا به یک دیپلماسی سخنرانی‌محور بسنده کردیم و با این ارزیابی نادرست که این سخنرانی‌یک دستاورد مهم است، شخص رئیسی سریعاً به ایران بازگشت. به‌همین‌دلیل هیچ‌گاه سفرهای نیویورک رؤسای جمهور ایران

نمی‌توانند به یک دستاورد مهم ختم شوند؛ مشکلی که متأسفانه در سفر رئیسی به نیویورک به شکل پررنگی تکرار شد. این در حالی است که همه وزارتخانه‌ها سخنگو دارند و همه آنها هم تریبون لازم را دارند؛ بنابراین دیگر بسیاری از سخنرانی‌ها از سوی مقامات تکراری می‌شوند و کارکردی هم ندارند؛ ولی آن چیزی که هیچ‌گاه تکراری نیست و همواره کارکرد و تأثیر خود را دارد و به‌عنوان دستاورد سفرها تلقی می‌شود، این است که کشورها بتوانند در راستای دیپلماسی رسمی قرارها، دیدارها و توافقاتی را ترسیم و تعریف کنند تا از یک طرف به اختلافات، تنش‌ها یا نگرانی‌های مشترک پایان دهند و از طرف دیگر منافع مشترکی را برای خود تعریف کنند؛ کاری که معمولاً از سوی هیئت ایرانی انجام نمی‌شود. از این منظر حضور رئیسی در نیویورک و مجمع عمومی سازمان ملل هم یکی از «سخنرانی‌محورترین» حضورهای رؤسای جمهوری اسلامی ایران در نیویورک بود. اگر این سازوکار تعطیل شود، قطعا به سود ایران است. ضمن اینکه ایران در حوزه سیاست خارجی تاوان برخی موضوعات را می‌دهد که به‌هیچ‌عنوان ربطی به منافع ما ندارد. این در حالی است که بسیاری از کشورها با نادیده‌گرفتن قوانین به‌راحتی منافع خود را تأمین می‌کنند. متأسفانه با این نگاه همواره منافع جمهوری اسلامی ایران قربانی منافع دیگر کشورها شده است.

● **به مسئله ارسال پهباد و موشک از سوی ایران به روسیه بازگردیم. در این مورد مشخص شاهد یک فضای دوگانه و چندانسه در داخل کشور بودیم؛ از یک طرف وزیر امور خارجه و سخنگوی دستگاه دیپلماسی از تماس‌های تلفنی با مقامات اوکراینی و دیگر مقامات اروپایی گرفته تا نشست‌های رسانه‌ای بارها این مسئله را تکذیب کردند؛ اما در مقابل علاوه بر موج سواری دیپلماتیک و رسانه‌ای روسیه روی تسلیحات دریافتی از ایران، اوکراینی‌ها هم با در اختیار گرفتن لاشه پهبادهای منهدم‌شده منسوب به ایران، تهران را زیر سؤال بردند. اگرچه مسکو، کی‌یف و دیگر کشورهای اروپایی و ایالات متحده هرکدام از منظر منافع خود به این ادعا دامن زدند؛ اما نکته حائز اهمیت اینجاست که در داخل کشور هم برخی رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی درست برخلاف گفته‌های رسمی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه و با انتشار اخبار و تصاویر عملکرد پهبادهای ایران در جنگ اوکراین روی ادعاهای اروپا و آمریکا درخصوص حمایت تسلیحاتی ایران از روسیه در جنگ اوکراین صحه می‌گذارند. واقعا این دوگانگی در داخل کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

برای پاسخ به این سؤال شما اجازه دهید من مسئله ارسال پهباد ایران به روسیه را با ارسال پهباد از سوی ترکیه به اوکراین مقایسه کنم. اکنون بیشترین استفاده از پهبادهای ترکیه در جنگ از سوی اوکراین انجام شده است. روی این مسئله تبلیغات گسترده‌ای هم از طرف ترکیه، اوکراین و دیگر کشورها شده تا جایی که به‌کارگیری پهباد ترکیه در جنگ اوکراین توانسته است بازار جدیدی برای پهبادها و دیگر تسلیحات ترکیه فراهم کند؛ اما در طرف مقابل، ایران وضعیتی کاملا برعکس ترکیه دارد. از یک سو مسئولان رسما ارسال پهباد به روسیه را تکذیب کرده‌اند و به موازات طرف روسی با زیر سؤال بردن موضع رسمی ایران، کیفیت پهبادهای ایران را هم زیر سؤال می‌برد و عملا مانور مخربی هم روی توان پهبادی و موشکی ایران انجام می‌دهند؛ یعنی در اینجا برخلاف شرایط کنونی ترکیه که رسما تأیید شده از پهبادهای این کشور در تقابل با تجاوز روسیه استفاده می‌شود و افزون بر آن، پهبادهای ترکیه کارایی و کیفیت لازم را دارند و از این طریق بازار جدیدی برای تسلیحات ترکیه شکل گرفته است. هم

ارسال تسلیحات به روسیه با هدف به‌کارگیری در جنگ زیر سؤال رفت و هم از آن طرف روس‌ها این پهبادها را بی‌کیفیت نشان داده‌اند. از طرف دیگر وقتی ایران از سوی وزارت امور خارجه که از نهادهای مستقیم در این زمینه است، عنوان کرده که پهبادی به روسیه با هدف به‌کارگیری در جنگ اوکراین ارسال نشده است، چرا رسانه‌های داخلی باید برخلاف آن موضع‌گیری کنند و هزینه‌های گزافی را بر کشور تحمیل کنند تا این‌گونه ایران متمم به شریک جرم روسیه در سیاست‌های ضد حقوق‌بشری در جنگ اوکراین شود؟ به واقع منافع ایران عملا تحت‌الشعاع منافع روسیه در جنگ اوکراین قرار گرفت. همان‌گونه‌که بارها عنوان کردم، همان‌گونه که برجام و مذاکرات وین تحت‌الشعاع جنگ اوکراین و منافع روسیه قرار گرفت، اکنون هم منافع ایران در جنگ اوکراین که هیچ ربطی به این جنگ ندارد، قربانی منافع روسیه شد. من می‌خواهم این مسئله را در کنار چند اظهار نظر رؤسای دولت‌های پیشین جمهوری اسلامی ایران از جریان سیاسی قرار دهم. رؤسای دولت‌های پیشین عنوان کردند که ارسال و صادرات گاز ایران به اروپا چندان صرفه تجاری ندارد؛ اما تاریخ اثبات خواهد کرد که این موضع‌گیری صرفا به دلیل فشار و سایه سنگین روسیه بر ساختار تصمیم‌گیری در داخل کشور بود؛ چون در واقعیت اولین کشوری که اقدام به کشیدن خط لوله به اروپا کرد، جمهوری اسلامی ایران بود. این کار در نیمه اول دهه ۱۹۹۰ انجام شد و این اقدام درست در اوج ضعف، افول، نزول و بیماری روسیه پیش از روی‌کارآمدن پوتین بود؛ اما هم‌زمان با این اقدام تهران، روسیه یک برنامه و استراتژی بلندمدت را با هدف وابستگی انرژی اروپا برای خود ترسیم کرد

و همین مسئله سبب شد انرژی بتواند در حمل اقدامی که بیشتر در راستای اعلام موضع کشورهاست؛ اما مسئله اینجاست که وقتی دیپلماسی عمومی و اعلام موضع و سخنرانی به جای تحلیل، تبیین و تشریح درست اوضاع، ملأک عمل و تصمیم‌گیری قرار گیرد، متأسفانه مسأ را از واقعیت‌ها دور می‌کند؛ درحالی‌که همه هیئت‌های دیپلماتیک در راستای دیپلماسی رسمی به دنبال تکاپوی جدی در حوزه سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی هستند؛ یعنی سران و مقامات دیگر کشورها در راستای دیپلماسی رسمی در تلاش‌اند تا دیدار، گفت‌وگو، رایزنی و ترسیم سند توافقی با دیگر کشورها را عملی کنند؛ اما متأسفانه ما صرفا به یک دیپلماسی سخنرانی‌محور بسنده کردیم و با این ارزیابی نادرست که این سخنرانی‌یک دستاورد مهم است، شخص رئیسی سریعاً به ایران بازگشت. به‌نام ایران را برای خود در جنایت‌ها و تجاوزش به خاک اوکراین بتراشد.